

## ائتلاف سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: از دفاع مقدس تا محور مقاومت کیانوش کیاکجوری<sup>۱</sup>، الماس اسلامی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

### چکیده:

ائتلاف سازی در سیاست خارجی محوری‌ترین بخش دیپلماسی کشورها است. منافع مشترک، تهدید مشترک و ارزش‌های مشترک زمینه ساز ائتلاف‌ها هستند. جمهوری اسلامی با آگاهی از تهدیدها، به ائتلاف سازی در سیاست خارجی در دوران دفاع مقدس و محور مقاومت روی آورده است. هدف اصلی درک مؤلفه های ائتلاف ساز برپایه شاخص‌های هویتی و ایدئولوژیکی برای مقابله با اقتدار قدرتهای بزرگ است. اهمیت موضوع مورد بررسی به درک جدید از توان جمهوری اسلامی برای ائتلاف سازی و ثمرات آن اشاره دارد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که ائتلاف‌سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس و شکل‌گیری محور مقاومت چگونه بوده است؟ فرضیه مقاله این است که جمهوری اسلامی ایران با درک منبع تهدیدها به ائتلاف سازی در سیاست خارجی مبادرت نموده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در دوران دفاع مقدس از طریق ائتلاف با جنبش‌های آزادیبخش و کشورهای جهان سوم و باشکلی‌گیری محور مقاومت از طریق ائتلاف سازی با کشورهای عراق، سوریه و بازیگران غیر دولتی توانسته است به گسترش قدرت منطقه‌ای خود مبادرت ورزد.

**واژگان اصلی:** جمهوری اسلامی ایران، ائتلاف سازی، سیاست خارجی دفاع مقدس، محور مقاومت.

۱. دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

kianoush.kia51@gmail.com

۲. دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ (۱۹۷۹)، الگویی از رویکرد انقلابی نسبت به وضعیت موجود ارائه داد که مهمترین رکن آن حق تعیین سرنوشت سیاسی مردم غرب آسیا بوده است. در دوران دفاع مقدس، گفتمان ائتلاف محور مبتنی بر نشانه‌هایی از مقاومت‌گرایی بود. همان گونه که فوکو از اصطلاح «سلطه» برای نمایش قدرت استفاده نمود، در ادبیات سیاسی و بین‌المللی ایران نیز واژه‌هایی همانند استکبار جهانی تولید گردید. در این شرایط، هرگونه مقاومت و ستیزش باید در مقابله با گفتمان مسلط قرار گیرد. از اینرو، ایدئولوژی انقلاب اسلامی و فضای گفتمانی سیاست خارجی ایران زمینه مقابله با فضای گفتمانی مسلط ناشی از کنش قدرتهای بزرگ را فراهم نمود.

تأثیر این قضیه در سالهای بعد، حمایت از جنبش‌ها و حرکت‌های ضداستبدادی و ضددیکتاتوری در غرب آسیا به ویژه در حمایت از مسئله بیداری اسلامی بوده است. همین امر نه تنها سبب توسعه گفتمان و ارزش‌های انقلاب اسلامی فراسوی مرزهای ایران شده، بلکه دستاوردهای مهمی برای انقلاب اسلامی به همراه داشته است که برجسته‌ترین آنها توسعه محور مقاومت و برهم زدن موازنه بین‌المللی بوده است. نظام سیاسی ایران با ویژگی منحصر به فرد خود از ظرفیت تأثیرگذاری بر محیط پیرامون برخوردار بوده که می‌توان آنها را سه محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ملاحظه کرد:

محیط داخلی: از جمله تأثیرات در سطح محیط داخلی، عبارت است از برقراری وحدت و اعتماد ملی، توسعه دانایی محور که نواندیشی دینی را تشویق نموده، جنبش نرم‌افزاری با ویژگی‌های جرات علمی، نفی تقلیدپذیری، رعایت ارزش‌های دینی.

محیط منطقه‌ای: این تأثیرات در سطح منطقه‌ای یعنی منطقه شیعه‌نشین و اسلامی عبارتند از: بازسازی تمدن اسلامی و ارتقای خودباوری فرهنگی به ملت‌های مسلمان؛ ارتقای بیداری اسلامی و تأکید بر وحدت جهان اسلام. این امر موجب ایستادگی آنان در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی شد. احیای هویت جهان اسلام با شاخص‌هایی همچون حمایت از مستضعفان، حق‌گرایی، نفی‌گرایی‌های غرب؛ محوریت ایران در ثبات منطقه‌ای و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم با اعلام روز جهانی قدس از سوی امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه).

محیط بین‌المللی: این تأثیرات در سطح بین‌المللی عبارتند از: به چالش کشیدن سلطه فرهنگی غرب از طریق تفکرات‌رهایی‌بخش و استکبارستیز، اعطای خودباوری به ملت‌ها و معرفی اسلام به

عنوان یک شیوه زندگی؛ گشایش جبهه ثالث در نظام بین الملل از طریق حمایت از حرکت های استقلال طلبانه و تشویق ملت ها به معنویت؛ پرچمداری انقلاب فرهنگی جهانی با شاخص هایی همچون: تأکید بر معنویت، وحدت اسلام، فرهنگ استقلالی (دهشیری، ۱۳۸۸: ۱۱۲-۱۳۶).

منظور از ائتلاف، همبستگی و همکاری چند کشور مختلف برای نیل به یک یا چند هدف مشترک است. ائتلاف و اتحادسازی یکی از مهمترین راهبردهای حوزه‌ی سیاست خارجی است و بر این مبنا قرار دارد که دولتها صرفاً برای پیروزی (کسب فایده و امتیاز) اقدام به ایجاد اتحاد می نمایند. یکی از راهبردهای جمهوری اسلامی ایران، با توجه به شرایط حاکم بر نظام بین الملل در منطقه غرب آسیا، ائتلاف سازی در دوران دفاع مقدس و شکل گیری محور مقاومت بوده در سالهای اخیر بوده که فرصت و ظرفیت زیادی را در اختیار ایران قرار داده است. تحولات شکل گرفته در غرب آسیا، تغییر نقش و عملکرد بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای، ائتلاف های پنهان و آشکار شکل گرفته در منطقه، دگرگونی در ماهیت تهدیدها از یکسو و توان و ظرفیت جمهوری اسلامی ایران برای شناخت تهدیدها و مقابله با آنها از سوی دیگر، اهمیت بررسی این موضوع را نشان می دهد. عدم بررسی این موضوع مهم، سبب مغفول ماندن از جریانها و فرآیندهایی می شود که می تواند آثار زیانباری برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد. از اینرو، هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی ائتلاف سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دفاع مقدس تا محور مقاومت است. بنابراین مسئله اصلی روشن نبودن مؤلفه های ائتلاف ساز هویتی و ایدئولوژیکی برای مقابله با اقتدار قدرتهای بزرگ و ظرفیت و توان ایران برای ایجاد این ائتلاف و بهره گیری از آن می باشد. از اینرو، پرسش اساسی مقاله حاضر این است که ائتلاف سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس و محور مقاومت چگونه بوده است؟

#### ۱- پیشینه تحقیق

۱-۱- مسعود همیانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ی «تغییر جهت در سیاست خارجی عربستان سعودی: از استراتژی موازنه تا رهبری ائتلاف» درصدد به کارگیری نظریه موازنه تهدید استفان والت برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی عربستان سعودی بعد از قیام های عربی (۲۰۱۱) با تأکید بر بحران یمن برآمده است. هدف پژوهش حاضر، اثبات تغییر رویکرد در سیاست خارجی عربستان از

استراتژی موازنه سازی به استراتژی رهبری ائتلاف در قالب نظریه موازنه تهدید است. لذا این سوال مطرح می‌شود که محیط امنیتی غرب آسیا بعد از قیام های عربی ۲۰۱۱ چه تاثیری بر سیاست خارجی عربستان داشته است؟ فرض مقاله حاضر این است که سیاست خارجی عربستان از عملگرایی یعنی ایجاد موازنه به همراه قدرت‌های بین‌المللی علیه منبع تهدید به سوی سیاست خارجی مستقل تر و با تکیه بر تواناییهای خود تغییر جهت داده است. روش تحقیق، کیفی و استقرایی می‌باشد.

۲-۱- محسن مرادیان (۱۳۸۶) در مقاله‌ی «الگوی ائتلاف سازی منطقه ای ایران برای تحقق اهداف سند چشم انداز» به این مسئله پرداخته است که موقعیت استراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئو کالچر ایران مزیت‌هایی برای آن ایجاد نموده است که با استفاده از آنها می‌تواند در تأمین امنیت منطقه و کمک به استقرار صلح و ثبات بین‌المللی نقش ایفا کند. یافته‌های تحقیق نشان خواهند داد که از میان سه الگوی مورد بررسی، الگوی همکاری با کشورهای عضو پیمان شانگهای بیشترین منافع را برای ایران داشته و موثرتر از دو الگوی دیگر اهداف چشم‌انداز را محقق خواهد نمود. پیشنهاد این مقاله گسترش همکاری با گروه شانگهای برای تحقق اهداف چشم‌انداز می‌باشد.

۳-۱- «ائتلاف سازی در نظام بین الملل، معمای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» کتابی است که توسط شمس الدین صادقی (۱۳۹۶) تالیف شده است. این کتاب در صدد پاسخ به پرسشهای زیر است: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، رو به سوی کجا می‌رود؟ محور سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ قانون اساسی جمهوری اسلامی چه افقی را برای سیاست خارجی، رصد نموده است؟ با عطف توجه به پرسش‌های یاد شده، مدعای تبیینی این پژوهش آن است که ساختار هژمونیک نظام بین‌الملل، رفتار سیاسی کشور معترض به قواعد و هنجارهای این ساختار را بر نمی‌تابد؛ همین امر موانعی را بر سر راه ائتلاف‌سازی سیاست خارجی ایران با قطب‌های قدرت نوظهور جهانی در شرق، شرق دور، حوزه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز ایجاد کرده است.

۴-۱- سیدشمس الدین صادقی و کامران لطفی (۱۳۹۴) در مقاله‌ی «سیاست نگاه به شرق و تحلیل امکان یا امتناع ائتلاف راهبردی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و چین (۱۳۹۲-۱۳۸۸)» به این مسئله پرداخته اند که یکی از رویکردهای مطرح در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، سیاست نگاه به شرق است. این رویکرد پس از گذشت یک دهه از قطع روابط دیپلماتیک ایران با ایالات متحده آمریکا و نیز تشدید تحریم‌های گسترده این کشور و نیز اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران در

اولویت سیاست خارجی ایران قرار گرفت. پرسش اصلی این مقاله این است که جمهوری اسلامی ایران چه هدفی را در توسعه مناسبات راهبردی با چین دنبال می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش، این فرضیه به آزمون گذاشته شده است که «جمهوری اسلامی ایران به چین به‌عنوان یک جایگزین مناسب در حوزه مناسبات اقتصادی می‌نگرد». روش تحقیق در این پژوهش، تحلیلی-توصیفی است و برای تبیین مسئله پژوهش از نظریه «چرخش قدرت و نقش»، بهره گرفته شده است.

۱-۵- محمد ستوده و علیرضا یاری (۱۳۹۹) در مقاله‌ی «تأثیر چالش‌های پیشرفت سیاسی بر جهت‌گیری ائتلاف و اتحاد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی این موضوع پرداخته اند که چالش‌های پیشرفت سیاسی در سطح عدم اجماع نسبی نخبگان و نهادینه نشدن احزاب سیاسی بر روند ائتلاف و اتحادسازی در سیاست خارجی تأثیرگذار است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با بهره‌گیری از نظریه ساخت‌یابی نشان داده شد که چالش‌های پیشرفت سیاسی در داخل کشور نه تنها ائتلاف‌سازی را با مشکل مواجه می‌سازد، بلکه باعث از دست رفتن فرصت‌های بین‌المللی نیز می‌شود.

۱-۶- علی آدمی و الهام کشاورز مقدم (۱۳۹۴) در مقاله «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی این مسئله پرداخته اند که ظرفیت‌های ژئوپولیتیکی ایران، امنیت ملی آن را به شدت تحت تأثیر محیط منطقه‌ای غرب آسیا قرار داده است. پس از انقلاب اسلامی، شکل‌گیری ائتلافی از کشورهای سنی نشین حاشیه خلیج فارس به زعامت عربستان، ناچاراً ایران را وادار به تقابل جویی در چارچوب محور مقاومت نمود. محوری که با روی کار آمدن دولت شیعی عراق، اقتداری مضاعف یافت. عملکرد امنیتی ایران در تحولات ناشی از بیداری اسلامی، حمایت از گروه‌های شیعی در یمن و بحرین و همچنین حضور فعالانه در عراق و سوریه را می‌توان تلاشی جهت حفظ و افزایش قدرت مجموعه امنیتی محور مقاومت و در واقع تأمین امنیت ملی ایران دانست.

۱-۷- سید زکریا محمودی رجاء، علی باقری دولت آبادی و بهنام راوش (۱۳۹۷) در مقاله‌ی «بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی» به این مسئله پرداخته اند که از زمانی که آمریکا موفق شد بر اردوگاه کمونیزم پیروز شود این بحث مجدد در محافل آکادمیک رونق گرفت که آینده نظام جدید که رهبری آن را آمریکا در دست دارد چه خواهد شد. مقاله پیش رو با استفاده از نظریه نظام جهانی والرشتاین و روش تحلیلی توصیفی به بررسی نقش محور

مقاومت در مقابله با نظام سلطه و آینده این نظام می پردازد. فرضیه اصلی پژوهش حاضر این است که جبهه مقاومت با محوریت ایران و تکیه بر آرمان های اسلامی در منطقه توانسته مشروعیت نظام سلطه را به چالش کشیده و قدرت آن را به تحلیل ببرد.

## ۲- مبانی نظری

عدم تحقق موازنه علیه هژمونی ایالات متحده پس از جنگ سرد، یکی از متفکران واقع گرا، به نام «استفن والت»<sup>۱</sup> را به سوی جا به جایی (Shifting) نقطه تمرکز واقع گرایی از موازنه قدرت به موازنه تهدید<sup>۲</sup> سوق داد تا بدین سان به ادعای او، گره کور نواقعی گرایی گشوده شود. او می گوید با این رهیافت می توان این مهم را توضیح داد که چرا موازنه و ائتلاف در مقطع کنونی نیز علیه ایالات متحده صورت نمی گیرد. بر پایه این نظریه دولت ها در وضعیت آنارشی برای حفاظت از خود تشکیل اتحاد می دهند. به باور «والت» عملکرد دولتها به وسیله چندین عامل مشخص می شود: نخست، آنها براساس تهدیداتی که برداشت می کنند عمل می کنند. دوم آنکه، قدرت دیگر بازیگران یک رکن در محاسبات آنها محسوب می شود. قدرت دیگر دولتها بسته به اینکه آن دولت در چه مکان جغرافیایی قرار گرفته باشد، توانایی انجام چه عملی را داشته باشد و یا چگونه از توانایی خود استفاده می کند، می تواند مایه دردسر یا یک امتیاز باشد (Walt, 1987: 21). بر همین مبنا «والت» نتیجه می گیرد که تهدیدات دولتها نسبت به یکدیگر می تواند از چهار منبع نشأت بگیرد که عبارتند از: ۱. قدرت کل<sup>۳</sup>، ۲. مجاورت جغرافیایی<sup>۴</sup>، ۳. قدرت تهاجمی<sup>۵</sup> و ۴. نیت تهاجمی<sup>۶</sup>.

بنا بر نظریه «والت» هر اندازه میزان منابع یک دولت بیشتر باشد، آن دولت از پتانسیل بیشتری برای تهدید دیگر دولتها برخوردار است. در اینجا منظور از منابع، جمعیت، قابلیت های نظامی و صنعتی و قدرت فناوری می باشد. در چنین وضعیتی دولتهایی که دارای قدرت فراوان باشند ظرفیت آن را خواهند داشت که دشمنان خود را تنبیه کنند و به دوستان خود پاداش دهند (Walt, 1987: 22-23)

<sup>۱</sup>- Stephen Walt

<sup>۲</sup>- Threat of Balance

<sup>۳</sup>- Total power

<sup>۴</sup>- Geographic Proximity

<sup>۵</sup>- Offensive power

<sup>۶</sup>- Aggressive intentions

بر پایه نظریه موازنه تهدید، توانایی دولتها برای اعمال قدرت با افزایش فاصله کاهش می یابد در نتیجه دولتهای نزدیکتر نسبت به دولتهای دورتر تهدیدآمیزترند. اگر اندازه دیگر منابع دولتها با هم برابر باشد در آن صورت احتمال اینکه دولت ها در واکنش به قدرتهای نزدیک، به جای واکنش به قدرتهای دور دست، دست به اتحاد بزنند بیشتر است. در اینجا هم مانند عامل قدرت کل، مجاورت جغرافیایی می تواند منجر به ایجاد موازنه یا همراهی از سوی دیگر دولتها شود (Walt, 1987: 23)

بنا بر باور استفن والت اگر اندازه دیگر منابع دولتها با هم برابر باشد، احتمال زیادی وجود دارد که دولتهای دارای قابلیتهای تهاجمی بسیار به تشکیل اتحاد مبادرت ورزند. باید خاطر نشان ساخت گرچه قدرت تهاجمی با قدرت کل و مجاورت جغرافیایی در ارتباط است اما با آنها یکسان نیست. در واقع قدرت تهاجمی دارای این قابلیت است که حاکمیت یا یکپارچگی سرزمینی دولت دیگر را تهدید کند. تهدید فوری ناشی از این قابلیتهای تهاجمی ممکن است انگیزه بسیار قوی به دیگر دولتها برای موازنه علیه دولت تهدیدگر بدهد (Walt, 1987: 24)

در نهایت بنا بر نظریه موازنه تهدید اگر دولتها، دولتی را به عنوان یک دولت تهاجمی و ستیزه جو در نظر بگیرند احتمال بسیاری وجود دارد که علیه آن دست به موازنه بزنند. در این صورت حتی اگر دولتی دارای قابلیتهای متوسط و معمولی هم باشد، باز ممکن است که دیگران را به موازنه علیه خودش تحریک کند. در واقع برداشتهای از نیت دولتها نقشی مهم در انتخاب اتحادها ایفا می کند (Walt, 1987: 25) در همین راستا، نیت دولتها می تواند ناشی از ایدئولوژی باشد به طوری که فاصله ایدئولوژی بین نخبگان حاکم در تک قطب و نخبگان حاکم در سایر دولتها اهمیت زیادی دارد چرا که دولتها در برابر تک قطب با ایدئولوژی رقیب یا مخالف احتمالاً، راهبرد موازنه سخت را برمی گزینند (هنسن و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸)

بنابراین از نظر والت صرف قدرت مهم نیست بلکه سایر عوامل نیز دارای اهمیت هستند. به باور وی آنچه در روابط میان دولتها از اهمیت برخوردار میباشد، درک آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است و تنها میزان قدرت هر یک از آنها مورد توجه نیست. به همین منوال دولتها در برابر دولتهایی دست به موازنه می زنند که تهدیدی فوری را متوجه موجودیت یا منافع آنها بکنند (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

در جمع بندی نظریه استفن والت از موازنه تهدید می توان گفت:

۱- دولت در مقابل ها دولتی هایی متحد می شوند که منشأ بیشترین تهدیدانند؛ بنابراین، دولت یا

- دولت های تهدیدکننده لزوماً جزء قویترین دولت ها نیستند.
- ۲- تهدید صرفاً به میزان قدرت ها دولت بستگی ندارد بلکه تصویری که ها دولت در روابط خود از تهدید دارند مدنظر است.
- ۳- هر اندازه تهدیدات خارجی شدیدتر باشد، به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می شود و نظام به لحاظ کارکردی از انسجام بیشتری برخوردار خواهد شد.
- ۴- والت «تهدید» را افزون بر قدرت، ترکیبی از سایر عوامل نظیر توانایی های تهاجمی، قدرت نظامی، نزدیکی جغرافیایی و مقاصد تجاوزکارانه احتمالی می داند
- ۵- یکی از شرایط افزایش امنیت در نظام موازنه تهدید آن است که موازنه به وجود آمده به هنجارها تبدیل شود (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۹)

### ۳- ائتلاف سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس

در سالهای نخست انقلاب، عمده منابع قدرت، عمدتاً در خدمت ایدئولوژی و گسترش آن قرار گرفتند؛ درحالی که بسیاری از دولتها منطقه، از ایدئولوژی در جهت خدمت به ناسیونالیسم بهره می بردند. ایدئولوژی اسلامی اساساً زمینه ائتلاف جمهوری اسلامی ایران را با جنبشهای آزادیبخش و نیز کشورهای اسلامی فراهم آورد. به طور کلی، شرایط عمومی نظام سیاسی ایران به گونه ای بود که بسترهای لازم را برای ائتلاف در برابر تهدیدات جهان غرب ایجاد می کرد.

جنگ تحمیلی، فضای جدیدی از ائتلاف گرای امنیتی ایران با نیروهای فراملی و جنبشهای آزادیبخش را به وجود آورد. در شرایطی که دولتهای منطقه ای و همچنین قدرتهای بزرگ تمایل چندانی به همکاری گرای امنیتی با ایران نداشتند، طبیعی بود که ایران به سوی کشورهای منطقه ای تمایل نشان نمی داد. اصول سیاست خارجی ایران، در این دوران، بر گسترش روابط با کشورهای جهان سوم، به ویژه با کشورهای مسلمان، مبتنی بود، اما این کشورها، آموزه های جدید ایران، مبنی بر امکان ادامه حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بدون اتکا به قدرتهای بزرگ، را ناباورانه و با دیده حیرت می نگریستند. گرایش ایران در این مقطع زمانی را می توان براساس حمایت موثر از نیروهای انقلابی و آزادیخواه در کشورهای مختلف دانست. در چنین شرایطی، استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی براساس «بازدارندگی موثر» شکل گرفته است. این گونه بازدارندگی، پیوند عمیق و موثری با «دفاع» و «مقاومت در برابر تجاوز» دارد. از اینرو حمایت ایران از جنبشهای آزادیبخش و همچنین گروههای سیاسی رادیکال را باید اقدام

موثری برای حداکثر سازی مقاومت در برابر تهدیدات غرب دانست. (ترابی، ۱۳۸۵: ۲-۴)

قالبهای گفتمانی جمهوری اسلامی ایران براساس شاخصهای مقاومت شکل گرفته بود. در سالهای اولیه پیروزی انقلاب اسلامی، هرگونه ائتلاف سازی، براساس شاخصهای هویتی و ایدئولوژیک، سازماندهی شده بود. در این دوران، گفتمان ائتلاف محور، برای مقابله با شرایط اُبژگی مبتنی بر اقتدار قدرتهای بزرگ و همچنین برخورداری از حق متفاوت بودن، سازماندهی گردید (Foucault, 1982: 81)

گفتمان ائتلاف محور مبتنی بر نشانه‌هایی از مقاومت گرایی بود. به همان گونه‌ای که فوکو از اصطلاح «سلطه» برای نمایش قدرت استفاده نمود، در ادبیات سیاسی و بین‌المللی ایران نیز واژه‌هایی همانند استکبار جهانی تولید گردید. در این شرایط، هرگونه مقاومت و ستیزش باید در مقابله با گفتمان مسلط قرار گیرد. ایدئولوژی انقلاب اسلامی و فضای گفتمانی سیاست خارجی ایران زمینه مقابله با فضای گفتمانی مسلط ناشی از کنش قدرتهای بزرگ را فراهم نمود.

استفان والت معتقد است که اساس تشکیل ائتلاف‌ها در سطح بین‌المللی، توازن تهدید (Balance of threat) است و نه توازن قدرت. دولتها، در واکنش نسبت به تهدیدات، ائتلاف با یکدیگر را مدنظر قرار می‌دهند؛ تهدیداتی که شاید تماماً بر پایه قدرت دولتهای متعارض استوار نباشند. بدین‌خاطر، والت اساس تهدیدات و در نتیجه اساس واکنش دولتهای معطوف به برقراری توازن یا دنباله‌روی را بیشتر در امیال و مقاصد می‌بیند تا در قدرت محض (Walt, 1987: 5)

فرایندهای سیاسی و امنیتی منطقه، وضعیت خاصی را برای جمهوری اسلامی ایران به‌وجود آورده بود که متعاقب آن این کشور برای هرگونه امنیت‌سازی می‌بایست به فعال‌سازی موازنه تهدید مبادرت نماید. این امر نشان می‌دهد که کشورها صرفاً در شرایطی می‌توانند امنیت خود را تامین کنند که از قابلیت‌های لازم به منظور ایجاد موازنه تهدید با نیروهای تهاجمی برخوردار باشند. موازنه تهدید از طریق حداکثرسازی گستره ائتلاف انجام می‌گیرد که ایران در دوران دفاع مقدس توانست از این امر نهایت استفاده را ببرد.

#### ۴- ائتلاف سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت

##### ۴-۱- ائتلاف سازی

تحولات جاری در غرب آسیا از فراگیری تنش‌ها در این منطقه نشان دارد که بستر لازم را برای ائتلاف سازی های منطقه‌ای فراهم کرده است. ائتلاف و اتحادسازی یکی از مهمترین

راهبردهای حوزه‌ی سیاست خارجی است. نظریه‌ی ائتلاف‌سازی تحت تاثیر نظریه‌ی بازیها بر این باور است که دولتها صرفاً برای پیروزی (کسب فایده و امتیاز) اقدام به ایجاد اتحاد می نمایند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۲) در این وضعیت، شکل مطلوب توزیع منافع و امتیازات در داخل اتحاد به صورت کاملاً متفاوت است. در این صورت، خدمات هر یک از متعاهدین نسبت به دیگران، متناسب با منفعتی است که کسب می کنند. اتحاد کشورها با قدرت مساوی که در خدمت منافع یکسان آنهاست به این کمال مطلوب نزدیک می شود (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۳۱۲)

لاو و اسپنسر، ائتلاف را در دو سطح تعریف می کنند. در سطح اول، ائتلاف سازی مربوط به نگرش و کنش مقامات سیاسی کشور است. آنان در مقاطع زمانی مختلف بر ضرورت همکاری و ائتلاف با سایر بازیگران تاکید داشته و می توانند فرآیندهایی را پیگیری کنند که منجر به تحرک سیاسی و تنوع در فرآیند کنش استراتژیک باشد. لازم به ذکر است که به هر میزان جلوه‌هایی از عملگرایی در کنش نخبگان و در روند سیاست خارجی افزایش یابد، زمینه شکل گیری فرآیند موثرتری از همگرایی و ائتلاف حاصل خواهد شد. در سطح دوم نیز، ائتلاف‌گرایی مربوط به فرهنگ سیاسی و شاخص‌های جامعه شناختی مردم است. این امر به مفهوم آن است که می توان نشانه‌هایی از میل به همکاری را در فرهنگ سیاسی آن کشور مورد ملاحظه قرارداد (spencer & Lowe, 2006: 37) بر این اساس ائتلاف سازی را می توان اینگونه تعریف کرد: ائتلاف سازی فرایندی است که توافقی میان دو یا چند طرف برای حمایت از یکدیگر به منظور پیشبرد منافع متقابل صورت می گیرد. در نظام بین الملل منظور از ائتلاف سازی، همبستگی و همکاری چند کشور مختلف برای نیل به یک یا چند هدف مشترک است. ائتلاف سازی بین المللی زمانی شکل می گیرد که چند کشور عمدتاً همفکر برای تحقق اهداف مورد نظر با هم به همکاری پردازند. کشورهای عضو ائتلاف ممکن است برای همکاری با هم یک موافقتنامه رسمی امضا کنند یا این که بدون وجود هرگونه توافق مکتوب در پی تحقق اهداف مورد نظر برآیند.

## ۲-۴- محور مقاومت

محور مقاومت یک ائتلاف ژئوپلیتیک منطقه‌ای، مرکب از مجموعه بازیگران دولتی (ایران، عراق و سوریه) و غیردولتی (حزب الله لبنان، انصار الله و حماس) است که منافع مشترک ملی و ایدئولوژیکی دارند و تلاش می کنند با سیاست‌های مستقل و مقاومت محور خود در مجموعه امنیتی غرب آسیا نقش ایفاء کنند (رضا خواه، ۱۳۹۲: ۱). عدالت محوری، ظلم ناپذیری، دفاع از مظلوم و

نقی سلطه کفار از جمله مهم ترین مولفه ها، در این چارچوب می باشند. حفظ دین، حفظ امنیت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، بازپس گیری سرزمین های اشغالی در فلسطین، دفاع از تمامیت ارضی، حفظ استقلال و حق تعیین سرنوشت، و نیز جلوگیری از غارت منابع و ثروت در عراق، سوریه، لبنان، بحرین و یمن از جمله هدف های مشخص محور مقاومت است (وزیران، گل محمدی و علیزاده، ۱۴۰۰: ۱۱). تاکنون تفاوت ها و ویژگی های مذهبی-فرهنگی و سیاسی ایران با همسایگانش مانع ائتلاف و همگرایی با آنها در منطقه خلیج فارس شده است. حمایت از آرمان فلسطین موجب مخالفت علنی ایران با رژیم صهیونیستی گشت و از این رو به دنبال متحد یا متحدانی در منطقه بود تا بتواند موقعیت خود را در منطقه تقویت نماید (ساجدی، ۱۳۹۲: ۱۳۸). تفاوت های دینی ملت های منطقه به لحاظ شیعه و سنی بودن، هویت های متمایزی را شکل داده است. همچنین تعلق و تعصب دینی، مرزهای هویتی ای را ایجاد نموده اند که سبب شکل گیری دو طیف از دولت ها گشته است. پیش از حمله آمریکا به عراق و البته بیداری اسلامی، موازنه قدرت به سود کشورهای عربی سنی مذهب بوده است اما اکنون شیعیان در منطقه توانسته اند موازنه قدرت را به سود خود تغییر دهند. گسترش فرهنگ شیعه در منطقه به لطف فرصت های پیش آمده در بستر تحولات منطقه و نیز روی کار آمدن یک دولت شیعه در عراق شرایطی را مهیا کرد تا ایران بتواند فرهنگ سیاسی تشیع را احیا نماید و با برقراری ارتباط تنگاتنگ میان نواحی مختلف این حوزه، یکپارچگی فرهنگی ایجاد کند. بنابراین، ایران باید برای بهره برداری حداکثری از فرصت های پیش آمده سیاست خارجی اش را سامان دهد (اشرف و قنبری، ۱۳۹۲: ۱۳۵-۱۳۷). از اینرو، گفتمان مقاومت دو بُعد دارد: بُعد سلبی و بُعد ایجابی. در مرکز بُعد سلبی گفتمان مقاومت سلطه ستیزی قرار دارد و مهمترین وجوه بُعد ایجابی گفتمان مقاومت عبارتند از: عدالت خواهی، حق طلبی، صلح طلبی، معنویت گرایی و مصلحت گرایی (محمودی رجا، ۱۳۹۷: ۱۶). از اینرو ظرفیت ائتلاف سازی ایران در سیاست خارجی زمانی بیشتر آشکار می شود که موقعیت ژئوپولیتیک شیعیان در کنار هم در نظر گرفته شود که در آن صورت از خلیج فارس تا دریای مدیترانه را در بر می گیرد.

### ۳-۴- قدرت کل ایران و ائتلاف سازی با محور مقاومت

بنا بر نظریه استفن والت هر اندازه میزان منابع یک دولت بیشتر باشد، آن دولت از پتانسیل بیشتری برای تهدید دیگر دولتها برخوردار است. در اینجا منظور از منابع، جمعیت، قابلیت های

نظامی و صنعتی و قدرت فناوری می‌باشد. در چنین وضعیتی دولت‌هایی که دارای قدرت فراوان باشند ظرفیت آن را خواهند داشت که دشمنان خود را تنبیه کنند و به دوستان خود پاداش دهند (Walt, 1987: 22-23). قدرت کل ایران در سال‌های اخیر به نحوی افزایش پیدا کرده است که «استفن والت» تصدیق می‌کند که هر چند ایالات متحده، ایران را جز دولت‌های سرکش به حساب می‌آورد اما ایران در طول ۲۵ سال گذشته قدرتمندتر شده است (Walt, 2018: 34). به طور مثال او یادآوری می‌کند که سوریه و ایران در سالهای اخیر تلاش کرده‌اند تا کوششهای آمریکا در غرب آسیا را با ناکامی روبرو سازند. همچنین به باور وی به دلیل رویکرد سازش‌ناپذیر ایالات متحده نسبت به برنامه هسته‌ای ایران، ایرانی که در سال ۲۰۰۰ هیچ سانتریفیوژی در اختیار نداشت در سال ۲۰۱۵ صاحب ۱۹ هزار سانتریفیوژ شد (Ibid: 67).

جمهوری اسلامی ایران و سوریه همواره در پویش‌ها و تعاملات منطقه‌ای، سیاستی همسور را پیگیری نموده‌اند. با اضافه شدن عراق پس از صدام، محور مقاومت، اقتدار منطقه را به دست گرفت و در تحولات بیداری اسلامی، ملت‌های شیعه یمن و بحرین خواستار دولتی اسلامی در چارچوب محور مقاومت شدند. آمریکا از سال ۱۹۷۳ تاکنون توانسته است کشورهای عربی به غیر از سوریه را به صلح و حل اختلافات با رژیم صهیونیستی و به رسمیت شناختن آن و نهایت تکمیل روابط، ترغیب نماید (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۲). اما سوریه از مواضع ایران در مورد حزب الله در لبنان و جنبش‌های جهادی در فلسطین اشغالی، علیه رژیم صهیونیستی حمایت کرده و این مبارزات را به عنوان دفع تجاوز و دفاع و نه اقدامات تروریستی، تایید نموده است. این کشور با میزبانی رهبران تبعیدی حماس و استقرار دفتر مرکزی این گروه و گروه‌های مبارز دیگر در دمشق، نقش مهمی در روند مقاومت اسلامی بازی می‌کند. حمایت از گروه‌های مبارز درگیر در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه، سبب شد خطوط و جبهه بندی نیروهای سیاسی در منطقه شفاف گردد (پورحسین، ۱۳۹۱: ۱۹).

سوریه همواره سعی نموده است تا بر اساس سیاست خارجی ضد رژیم صهیونیستی و ایدئولوژی ناسیونالیستی در حمایت از مقاومت ضد رژیم صهیونیستی نقش مهمی بازی کند و با اعمال فشار بر این نظام و ایجاد بحران‌های سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی آن را ناکارآمد و ضعیف سازد. بنابراین، یک رابطه استراتژیک میان جمهوری اسلامی و رژیم اسد وجود دارد که ایران را در به مخاطران انداختن امنیت رژیم صهیونیستی توانمند می‌سازد. البته وجود حزب الله که جمهوری اسلامی ایران آن را از طریق سوریه تجهیز کرده است ثابت می‌کند که ایران می‌تواند

منافع امنیتی رژیم صهیونیستی را با خطر مواجه سازد (Rubin, 2012:1) بنابراین نمود قدرت ایران را می‌توان در سوریه مشاهده کرد به طوری که در حال حاضر احتمال سقوط حکومت سوریه بسیار اندک است چرا که روسیه، ایران و حزب الله با کمک یکدیگر توانسته‌اند حکومت بشار اسد را در سوریه حفظ کنند (Mearsheimer, 2018: 157).

پس از فروپاشی حزب بعث و به دنبال آن خیزش‌های اسلامی در غرب آسیا، فضای جدید برای ایران جهت اعمال نفوذ بر شیعیان منطقه به وجود آمد و محور مقاومت شیعی شکل گرفت. تغییر رژیم و به قدرت رسیدن شیعیان و کردهای عراق و کاهش قدرت اعراب سنی، باعث شد تا نظام سیاسی جدیدی در عراق پدیدار شود که با توجه به سیاست خارجی متفاوت آن از رژیم سابق، معادلات استراتژیک و توازن قدرت در منطقه را وارد مرحله جدیدی سازد. این نظام سیاسی بر خلاف رژیم بعث که گرایش به رویکردهای ضد ایرانی داشت و عمدتاً به عنوان بازیگری موازنه بخش در برابر ایران محسوب می‌شد، در برگیرنده رهبران سیاسی ای است که به گسترش روابط سیاسی با جمهوری اسلامی ایران ملزم هستند (شهریاری، ۱۳۸۹: ۲۸۹) ۴ اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی بین ایران و عراق سبب شد که با سقوط صدام، نه تنها تهدید عراق را از بین ببرد بلکه به افزایش نقش و موقعیت ایران در این کشور و منطقه خلیج فارس منجر شود (ساعی و علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۱۸).

در سطح بین‌المللی، تقویت عنصر شیعه در عراق جدید و تاثیرات آن بر سیاست بین‌الملل عراق، می‌تواند زمینه‌های فرصت‌سازی را در چارچوب تنظیم سیاست بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران و حل معضلات استراتژیک این کشور در منطقه و با قدرت‌های بزرگ جهانی همچون آمریکا فراهم سازد. بی‌تردید بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر بر اهمیت نقش ایران برای نظام بین‌الملل و قدرت‌های بزرگ در ایجاد ثبات و امنیت منطقه افزوده شده است. اهمیت نقش ایران در عراق جدید بر یک منطبق ساده استوار است: ۱- حفظ ثبات در عراق برای آمریکا دارای اهمیت حیاتی است. ۲- ایران دارای ابزارهای نفوذ قوی در جهت حفظ امنیت و ثبات است. بنابراین آمریکا برای حفظ امنیت در عراق به ایران نیاز دارد. این امر فرصت‌های گرانمایی را در اختیار ایران قرار می‌دهد که با کسب امتیازات جدید، زمینه‌های فرصت‌سازی در سیاست خارجی خود را افزایش دهد و به تعریف جدید از نقش خود در منطقه پردازد (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۶۵)

اهمیت ژئوپلیتیک یمن برای آمریکا و عربستان در بحث تنگه باب‌المندهب، صدور نفت و

ارتباط آن برای ایجاد ثبات و تعادل قدرت و حمایت‌های ایران از حوثی‌ها به بحران یمن دامن زده است. به زعم کشورهای عربی خصوصاً عربستان، تهدید ایران تنها شامل خطر ژئوپلیتیک نمی‌شود بلکه حمایت این کشور از شیعیان و روی کارآوردن دولت‌های شیعه در تقابل با گفتمان سلفی به عنوان تهدیدی ایدئولوژیک محسوب می‌شود. از طرف دیگر خطر افراط‌گرایی خشونت‌آمیز مذهبی و تأثیر کنشگران غیردولتی در حال رشد یکی دیگر از مجموعه‌های بزرگ تهدید را مطرح کرده و مبارزه با تروریسم و عملیات نظامی برای سرکوبی شورش، به طور فزاینده‌ای جنبه‌هایی از توازن نظامی را مهم ساخته است (Cordesman, 2016: 5,6) از اینرو، رشد شیعیان یمن می‌تواند تهدیدی برای منافع نامشروع آمریکا و عربستان باشد؛ این وضعیت به طور بالقوه این امکان را به ایران می‌دهد تا نیروی هوایی و دریایی خود را در یمن به کار گیرد و عمق استراتژیک خود را افزایش دهد و از آزادی عمل بیشتری برای ضربه زدن به منافع عربستان و ایجاد توازن منطقه‌ای بهره‌بردار چرا که یمن و جزایر آن نقش مهمی را در امنیت گلوگاه و آبراه جهانی در انتهای دریای سرخ به نام باب‌المندب ایفا می‌کند (Rayan, 2015: 5-7)

#### ۴-۴- مجاورت جغرافیایی و ائتلاف‌سازی در محور مقاومت

بر پایه نظریه موازنه تهدید، توانایی دولت‌ها برای اعمال قدرت با افزایش فاصله کاهش می‌یابد در نتیجه دولت‌های نزدیکتر نسبت به دولت‌های دورتر تهدیدآمیزترند. اگر اندازه دیگر منابع دولت‌ها با هم برابر باشد در آن صورت احتمال اینکه دولت‌ها در واکنش به قدرت‌های نزدیک، به جای واکنش به قدرتهای دوردست، دست به اتحاد بزنند بیشتر است. در اینجا هم مانند عامل قدرت کل، مجاورت جغرافیایی می‌تواند منجر به ایجاد موازنه یا همراهی از سوی دیگر دولت‌ها شود (Walt, 1987: 23).

حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا و مجاورت جغرافیایی آن با چالش‌ها و تهدیدات امنیتی مختلف در کشورهای همسایه و همجوار از قبیل عراق، افغانستان و کمی دورتر در سوریه، لبنان و سرزمین‌های اشغالی، لزوم آمادگی این کشور برای دفاع از امنیت ملی و منطقه‌ای خود در یک محیط منطقه‌ای بی‌ثبات را اجتناب‌ناپذیر کرده است. در حال حاضر کشورهای عراق و سوریه منبع اصلی گروه‌های تروریستی از قبیل داعش و القاعده و جبهه‌النصره می‌باشند و نزدیکی جغرافیایی این مناطق با جمهوری اسلامی ایران و تهدیدات بالقوه آنها برای امنیت ملی و سرزمین ایران، نشان‌دهنده درستی یکی دیگر از شاخص‌های موازنه تهدید استفن‌والد در رابطه

با درک تهدید توسط ایران نسبت به تحولات حادث شده در نزدیکی مرزهایش می باشد. در واقع جمهوری اسلامی ایران به دلیل نزدیکی جغرافیایی منبع اصلی تهدید به سرزمینش، لزوم حضور مستقیم و غیرمستقیم در بحران سوریه را احساس کرده و برای جلوگیری از سرایت این بحران به مرزهایش و همچنین جلوگیری از نابودی متحد خود یعنی بشار اسد در سوریه به ارائه انواع کمک های تسلیحاتی، لجستیکی، مادی و معنوی به رژیم حاکم بر سوریه پرداخته است. چرا که ظهور یک حکومت مخالف می تواند موقعیت ایران را در تقابل استراتژیک با رقبای منطقه ای اش تضعیف نماید (Nerguizan, 2013: 22-23)

اولین لایه راهبرد بازدارندگی برون مرزی در گستره ای طراحی شده که می توان از آن به عنوان خارج نزدیک ایران یاد کرد. باید توجه داشت که کشورها غالباً مناطقی را به عنوان خارج نزدیک معرفی می کنند. این اصطلاح ناظر بر راهبردی ترین سرزمین همجوار یا گستره بلافاصل فرامرزی است که در اولویت سیاست خارجی قرار دارد. خارج نزدیک کشورها، معمولاً شامل مناطقی است که به لحاظ جغرافیایی دغدغه های حیاتی در خصوص آن وجود داشته باشد. به واسطه این که این مسئله در خصوص نگاه ایران به عراق صدق می کند و خصوصاً این که اکثریت جمعیت این کشور را شیعیان تشکیل می دهد، ایران تمرکز جدی روی عراق دارد (فتحی، عیوضی و پیرانی، ۱۳۹۹: ۲۸۰). از سوی دیگر دولت مستقر در عراق، پیشران بسیار مهمی است که در تعدیل، تضعیف یا تقویت راهبرد برون مرزی ایران مفید/مضر خواهد بود. حفظ و تقویت نفوذ در عراق نقش تعیین کننده ای در سیاست های منطقه ای ایران دارد (Moller and Byman, 2016: 14)

سوریه به ایران امکان می دهد که قدرت منطقه ای خود را از طریق شام عملی کند و دروازه ای به سوی حزب الله داشته باشد. سنگر سوریه، پشتوانه و قوامبخش لایه بازدارنده واقع در کرانه های دریای مدیترانه در برابر رژیم صهیونیستی است. در حقیقت کشور سوریه می توانند به عنوان یک منطقه حائل و یا سپر حفاظ برای سرزمین اصلی ایفای نقش کنند. از سوی دیگر نفوذ بیشتر ایران در سوریه، منجر به گسترش حوزه های نفوذ این کشور و وسعت یافتن جغرافیای درگیری با رقبایی نظیر عربستان و آمریکا خواهد شد و آنها را از تنش آفرینی در مناطق پیرامونی ایران همچون عراق، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، آذربایجان در بلندمدت بر حذر خواهد داشت (Sadjadpour, 2018: 1) حمایت از دولت های عراق و سوریه از مهمترین عوامل پیشبرد رویکرد سیاسی - امنیتی ایران در غرب آسیا است. ایران پس از چند دهه حمایت از

این نظام ها نباید به راحتی آنها را از دست بدهد. راهبرد ایران در مساعدت های مستشاری به ارتش عراق در قالب ارتقای تحرک بسیج مردمی «حشدالشعبی» بانقش بارز سردار سلیمانی با موفقیت همراه بوده است (نیاکویی و مردای کلارده، ۱۳۹۴: ۱۴۸).

یمن با موقعیت ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی منحصر به فرد و همچنین وجود جمعیت زیدی در این کشور اهمیت ویژه ای برای ایران دارد و تقویت جایگاه متحدان ایران در این کشور یک سرمایه استراتژیکی محسوب می شود. یمن کنترل بنادر، جزایر سوق الجیشی و تنگه راهبردی باب المندب را در اختیار دارد که نقش مهمی در تجارت دریایی ایفا می کند. تسلط متحدان منطقه ای ایران بر تنگه باب المندب یکی از مسائلی است که عمق استراتژیکی و سطح نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا را ژرفا می بخشد (فتحی و جهان بین، ۱۳۹۸: ۲۱۲).

موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی لبنان و نقش و جایگاه تاثیر گذار آن در منازعه فلسطین و رژیم صهیونیستی و همچنین وجود حزب الله، جایگاه این کشور را برای ایران حیاتی ساخته است. لبنان غالباً صحنه رقابت و رویارویی قدر های منطقه ای و برون منطقه ای بوده است. جبهه عبری، عربی و غربی به صور پیوسته مخالفت خود را با نفوذ و حضور ایران در لبنان اعلام کرده اند؛ چرا که لبنان لایه سوم بازدارنده ایران در برابر رژیم صهیونیستی را تشکیل می دهد. حضور ایران در لبنان عملاً رژیم صهیونیستی را فاقد عمق استراتژیک ساخته است. با توجه به ارتباط زمینی عراق با منطقه شرق مدیترانه، جمهوری اسلامی ایران می تواند با اتصال مطمئن زمینی با سوریه، لبنان و سرزمین های اشغالی فلسطین و گروه های هوادار ایران در منطقه ارتباط داشته باشد. افزون بر این، ایران با توسعه شبکه های انتقال انرژی به غرب از طریق خاک عراق- سوریه، می تواند از تنگنای تنگه هرمز نیز رهایی یابد. ایران از طریق ائتلاف سازی در محور مقاومت و تحت شرایط جدید منطقه، توانسته است به گسترش قدرت منطقه ای و بر هم زدن توازن قوای سستی مبادرت ورزد. اگر ایران از این ظرفیت استفاده کند قادر خواهد بود که شرایط و سیاست های خود را در جامعه بین الملل و به خصوص ایالات متحده آمریکا و عربستان در موضوعات حیاتی مانند امنیت جهانی انرژی، قیمت نفت و حتی در خصوص سیاست های هسته ای خود، تحمیل نماید.

#### ۵-۴- قدرت تهاجمی و ائتلاف سازی در محور مقاومت

بنا بر باور استفن والت اگر اندازه دیگر منابع دولتها با هم برابر باشد، احتمال زیادی وجود دارد که دولت های دارای قابلیت های تهاجمی بسیار به تشکیل اتحاد مبادرت ورزند. باید خاطر نشان

ساخت گرچه قدرت تهاجمی با قدرت کل و مجاورت جغرافیایی در ارتباط است اما با آنها یکسان نیست. در واقع قدرت تهاجمی دارای این قابلیت است که حاکمیت یا یکپارچگی سرزمینی دولت دیگر را تهدید کند. تهدید فوری ناشی از این قابلیت‌های تهاجمی ممکن است انگیزه بسیار قوی به دیگر دولت‌ها برای موازنه علیه دولت تهدیدگر، بدهد (Walt, 1987: 24)

در نیم قرن اخیر اتحادسازی‌ها از حالت بین دولتی خارج شده و با ظهور گروه‌های فراملی و فراملی ائتلاف‌های نو ظهوری بین بازیگران دولتی و غیردولتی شکل گرفته است. در شرایطی که عمده تمرکز جبهه غربی بر اتحادسازی با کنشگران عربی و بعضاً ریز دولت‌های این منطقه متمرکز است، ایران نیز با الگوی اتحاد و پیمان سازی با بازیگران نیابتی و غیردولتی در مقیاس منطقه‌ای را در دستور کار قرار داده است. ایران با ترکیب توانایی‌های دفاعی و امنیتی در حوزه متعارف و غیرمتعارف استراتژی پیچیده‌ای را ارائه کرده است. توانایی متعارف ایران بیشتر متمرکز بر صنایع نظامی به منظور بازدارندگی و حمله متقابل علیه منابع تهدید است. از سوی دیگر ایران در حوزه نامتعارف سعی کرده تا قابلیت جنگ‌های نامتقارن و فرامرزی را تقویت و گسترش دهد. ماحصل تلاش‌ها در حوزه نامتعارف این بوده که اکنون از یک شبکه نفوذ مؤثر و با قابلیت عملیاتی سریع در گستره غرب آسیا بهره می‌گیرد (فتحی و جهان بین، ۱۳۹۸: ۲۸۷). این مسئله یک مزیت استراتژیک به شمار می‌رود و ایران را در زمره پیشگامان موفق در طراحی و عملیاتی ساختن استراتژی شبیه سازی نیابتی قرار داده است. حمایت و تقویت شبکه‌های متحد و نیابتی مقرون به صرفه ترین مسیر برای ایران جهت پیاده سازی و نیل به اهداف منطقه ای است.

شاید مهمترین قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران در آنچه محور مقاومت نامیده می شود، نهفته باشد. علاوه بر حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی در نوار غزه و جنبش الحوثی در یمن، گروه‌های مقاومت در عراق از مهمترین نیروهای نیابتی ایران در منطقه ی آسیای غربی هستند. این گروه ها شامل حشدالشعبی، کتائب حزب الله، حرکات النجبا، سازمان بدر، عصائب الحق، کتائب امام علی (علیه السلام)، کتائب سیدالشهدا و نیروهای ابوالفضل العباس، {تیپ فاطمیون و تیپ زینیون} باشند. (IISS, November: 2019) در همین راستا مکس بوت، کارشناس شورای روابط خارجی آمریکا استدلال می کند که ایران به دنبال لبنانیزه کردن عراق است به گونه ای که این امکان را در تئوری فراهم می کند که یک حکومت غربگرا حاکم شود اما قدرت واقعی توسط شبه

نظامیان مورد حمایت ایران، اعمال شود. در لبنان آن نیرو حزب الله و در عراق آن نیرو کتائب حزب الله و عصائب الحق هستند (Boot, 2020)

جمهوری اسلامی ایران در نوار غزه به منظور اعمال بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی قدرت تهاجمی را دنبال می کند. در میان گروههای فلسطینی، جنبش حماس به دلیل وجود اشتراکاتی همچون اعتقاد به التزام دین و سیاست، اعتقاد به قانونگذاری بر اساس شریعت اسلامی، نامشروع دانستن رژیم صهیونیستی و نگاه منفی به غرب بیش از سایرین در ارتباط با محور مقاومت بوده است. (الحمد و برغوی، ۱۳۸۲: ۶۷-۶۲) روابط جمهوری اسلامی ایران با حماس پس از پیروزی آنها در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۶ فلسطین و تشکیل دولت خودگردان به نخست وزیری اسماعیل هنیه وارد مرحله جدیدی شد و جمهوری اسلامی ایران حمایتهای مالی، سیاسی و نظامی خود به این گروه را افزایش داد. اگرچه حمایت نیروی قدس از حماس بر سر تفاوت دیدگاهها در جریان حوادث سوریه کاهش یافت، با این وجود به دلیل وجود دشمن مشترک به طور کامل قطع نشد. افزایش توان موشکی حماس در سالهای اخیر محصول این همکاری مشترک است. در این راستا شخصیتهای ارشد حماس همچون «محمود الزهار» آشکارا اعلام کرده اند که نیروی قدس در ساخت موشکهای دوربرد و تحویل برخی موشکها به آنان کمک مالی - تسلیحاتی کرده است. افزون بر حماس، برقراری روابط با برخی گروههای کوچکتر ساکن در نوار غزه همچون جهاد اسلامی فلسطین و جنبش تازه تأسیس «حرکت الصابرين» از دیگر تلاشهای جمهوری اسلامی ایران در این زمینه به شمار می رود. (International Institute for strategic studies, 2019: 74)

عراق به علت داشتن مرز زمینی طولانی (حدود ۱۵۰۰ کیلومتر) مهمترین اولویت و حلقه امنیتی جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزها به شمار می رود. به همین دلیل، تضمین حکومت مرکزی، احساس عدم تهدید از جانب مرزهای غربی و مقابله با تهدیدهای ناشی از حضور آمریکا در عراق باعث شده تا جمهوری اسلامی ایران در قالب حمایت از گروه «حشدالشعبی»، نفوذ خود را در این کشور گسترش دهد. اهمیت حشدالشعبی ناشی از دو کارویژه این گروه برای جمهوری اسلامی ایران بوده است: نخست استقرار نیروهای مقاومت در مناطق جغرافیایی مهم عراق همچون استان النبار که امکان جابه جایی رزمندگان مقاومت و ارسال کمکهای تسلیحاتی ارسالی از گذرگاه مرزی عراق - سوریه در این منطقه را فراهم می سازد. دوم، افزایش نفوذ سیاسی گروههای

مقاومت در ساختار قدرت سیاسی عراق که موجب ارتقای عمق بخشی جمهوری اسلامی ایران به عنوان رهبر محور مقاومت می شود. حشدالشعبی یک گروه ۱۰۰ هزار نفری برآورد شده که متشکل از چهار جریان هم پیمان ایران، کتائب حزب الله، سازمان بدر، عصائب اهل الحق و حزب الله نجبا هستند. قرارگرفتن فهرست ائتلاف به رهبری هادی عامری به عنوان جناح سیاسی حشدالشعبی در رده دوم ائتلاف های پیروز انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۸ نشان از تداوم نفوذ متحد جمهوری اسلامی ایران در ساختارهای سیاسی عراق دارد. پس از ترور سپهبد شهید سلیمانی و ابومهندس المهدی، جمهوری اسلامی ایران کوشیده تا از طریق گروه های مقاومت در عراق، آمریکا را به چالش بکشاند. تصویب طرح خروج آمریکا در پارلمان عراق از سوی متحدان محلی جمهوری اسلامی ایران و حمایت نیروهای مقاومت از جمله کتائب حزب الله به پایگاه های آمریکایی از جمله کمپ «التاجی» در ۱۱ مارس ۲۰۲۰ از جمله اقدام های نیروهای متحد جمهوری اسلامی ایران در برابر آمریکا به شمار می رود. (وزیریان، گل محمدی و علیزاده، ۱۴۰۰: ۱۰۴)

وقوع جنگ فراگیر سوریه به دلیل نقش راهبردی- ژئوپلیتیکی این کشور در اتصال محور مقاومت، ارتباط مستقیمی با امنیت ملی و راهبرد منطقه ای جمهوری اسلامی ایران داشت. از اینرو، جمهوری اسلامی ایران تمام قد به پشتیبانی از دولت مستقر در سوریه پرداخت و به سازماندهی یک گروه ۱۰۰ هزار نفری با نهاد «نیروی دفاع ملی» به رهبری «هلال اسد» به منظور مقابله با گروه های مسلح مخالف اقدام کرد. این گروه نقش مهمی در پاکسازی مناطق مختلف سوریه از تروریست های تکفیری داشت. تیب امام باقر (علیه السلام)، تیب ابوالفضل العباس (علیه السلام)، قوات الرضا، تیب سیده زینب (س)، تیب سیده رقیه (س) از مهمترین گروه های شیعه سوری نزدیک به جمهوری اسلامی ایران به شمار می روند. افزون بر نیروی دفاع ملی، شیعیان افغانی و پاکستانی وابسته جمهوری اسلامی ایران در دو تیب ۵۰۰۰ نفره نظامی فاطمیون و زینبیون در نبرد سوریه به مقابله با مخالفان مسلح بشار اسد پرداختند. اهمیت این گروه های مقاومت برای جمهوری اسلامی ایران ناشی از کارکرد سه گانه آنها مبنی بر حفظ یک دولت متحد راهبردی در قدرت، ایجاد یک جبهه جدید علیه رژیم صهیونیستی در جنوب سوریه و جلوگیری از قطع حلقه ارتباطی محور مقاومت (تهران-بغداد-دمشق-بیروت) بوده است (The International Institute for Strategic Studies, 2019:96).

لبنان به علت ظرفیت بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی و احیای کریدور نفوذ

ایدئولوژیکی - ژئوپلیتیکی در شرق مدیترانه برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد. از اینرو، حزب الله لبنان در میان شبکه مقاومت بیشترین پیوندهای اعتقادی (ایدئولوژیکی) و راهبردی را با جمهوری اسلامی ایران دارد. حزب الله لبنان بعد از دستاوردهای میدانی قابل توجه در جنگ ۲۰۰۶ با رژیم صهیونیستی، نفوذ فزاینده‌ای در ساختار دولت و پارلمان لبنان پیدا کرده است. در سطح راهبردی، اهمیت حزب الله در نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران متأثر از دو کارکرد ویژه است؛ نخست افزایش ظرفیت بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی و دوم عملکرد حزب الله لبنان به عنوان یک نیروی اعزامی ارتش مقاومت برای حضور در مناطق جنگی و آموزش سایر نیروها. (Bergman&Hubbard, 2020)

نقش آفرینی فعال حزب الله در حفظ دولت بشار اسد و آموزش نیروهای مقاومت سوری باعث شده که حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) مدیریت راهبردی محور مقاومت در سوریه را به سیدحسن نصرالله احاله کند. این گروه ۴۵ هزارنفره به بازوی عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در مرزهای شامات و شرق مدیترانه تبدیل شده و نقش کلیدی در سیاست موازنه سازی جمهوری اسلامی ایران در برابر محورهای رقیب بازی می‌کند. همچنین نفوذ شاخه نظامی حزب الله به واسطه مشارکت در درگیریهای غرب آسیا از جمله سوریه و یمن و افزایش قدرت بازدارندگی آنها به واسطه افزایش توان موشکی پهپادی در سالهای اخیر گسترش یافته است. (Humud, 2018)

در یمن گروه انصارالله مشهور به «حوثی‌ها» احیاگر شیعه زیدی بوده و با کمک و همراهی سپاه قدس و حزب الله لبنان در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۱ از نظر سیاسی و نظامی سازماندهی شده و توانستند بیشتر مناطق شمالی یمن را در اختیار بگیرند. این گروه ۲۰ هزار نفره برای جمهوری اسلامی ایران به سه دلیل مزیت راهبردی دارد: نخست بدلیل موقعیت راهبردی تنگه باب‌المندب که تسلط حوثی‌ها بر این تنگه به عنوان رگ کشتیرانی در کانال سوئز و همچنین بندر الحدیده، حاکمیت متحدان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را تقویت کرده است. امری که به تهران اجازه می‌دهد در صورت لزوم با ایجاد تهدیدهای ناهمپراز به هرگونه تهدید آمریکا پاسخ دهد. دوم، انصارالله بازوی عملیاتی سیاست بازدارندگی و موازنه سازی جمهوری اسلامی ایران در مقابل محور عربستان سعودی است. سوم، انصارالله ظرفیت بالقوه‌ای برای افزایش عمق بخشی گفتمان مقاومت در شبه جزیره عربستان به واسطه وجود شیعیان به ویژه در استان‌های شرقی عربستان سعودی دارد. (Knights, 22018: 17-18)

## ۶-۴- نیت تهاجمی و ائتلاف سازی در محور مقاومت

بنا بر نظریه موازنه تهدید اگر دولتها، دولتی را به عنوان یک دولت تهاجمی و ستیزه‌جو در نظر بگیرند احتمال بسیاری وجود دارد که علیه آن دست به موازنه بزنند. در این صورت حتی اگر دولتی دارای قابلیت‌های متوسط و معمولی هم باشد، باز ممکن است که دیگران را به موازنه علیه خودش تحریک کند. در واقع برداشت‌ها از نیت دولت‌ها نقشی مهم در انتخاب اتحادها ایفا می‌کند (Walt, 1987: 25). بنابراین از نظر والت صرف قدرت مهم نیست بلکه سایر عوامل نیز دارای اهمیت هستند. به باور وی آنچه در روابط میان دولتها از اهمیت برخوردار می‌باشد، درک آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است و تنها میزان قدرت هر یک از آنها مورد توجه نیست. به همین منوال دولت‌ها در برابر دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدیدی فوری را متوجه موجودیت یا منافع آنها بکنند (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۵)

با توجه به حضور آمریکا در افغانستان و سپس در عراق و همچنین دخالت این کشور در سوریه، جمهوری اسلامی ایران، آمریکا را یک دولت ستیزه‌جو در نظر می‌گیرد و با اقدامات خود به موازنه سازی مبادرت کرده است. درک این تهدید همراه با سیاست خارجی تهاجمی نومحافظه کاران در کاخ سفید و بیان آشکار سیاست تغییر رژیم در ایران و پروژه غرب آسیا جدید بود. مقامات ایران نه تنها نگران بودند، بلکه بعدها در خلال امضا توافقنامه امنیتی آمریکا با عراق در سال ۲۰۰۸، در خصوص حضور نظامی آمریکا در عراق، ملاحظات جدی داشتند. از اینرو حضور آمریکا در عراق همه مولفه های تهدید از جمله نیت تجاوزکارانه نسبت به ایران را دارا بود. به علاوه مقامات ایرانی برداشتی تهدید آمیز از تهاجم آمریکا به عراق و حضور گسترده نظامی در این کشور داشتند. این احساس تهدید باعث شد که ایران از طریق نفوذ و حضور گسترده خود در سطح سیاست داخلی عراق و کاربست ابزارهای مختلف در پی ایجاد توازن با آمریکا و کاهش نفوذ و نقش آن در این کشور باشد.

اهمیت ژئوپولیتیکی سوریه سبب شده تا ایران به مقابله با نیت تهاجمی آمریکا بپردازد. جمهوری اسلامی ایران و سوریه دیدگاه‌ها و منافع مشترکی دارند. هر دو کشور به دلیل موقعیت های ژئوپولیتیکی مناسب و واقع شدن در مناطق راهبردی غرب آسیا، عمق استراتژیکی یکدیگر محسوب می‌شوند. دو کشور علاوه بر منافع ملی مشترک دارای اشتراکات دینی، مذهبی و اسلامی قابل توجهی اند (کتاب سبز، ۱۳۸۷: ۹۸) ظهور و گسترش ژئوپولیتیک شیعه به مفهوم تغییر قواعد

بازی راهبردی و امنیتی سستی، در منطقه غرب آسیا است. واضح است که شکل گیری هر نوع موازنه جدید منبعث از ژئوپولیتیک شیعه بر نوع رفتار و مناسبات کشورهای منطقه و الگوی دوستی و دشمنی دولت ها اثر جدی می گذارد (توال، ۱۳۸۴: ۱۳۷). از اینرو اشاعه ارزشها و گسترش ایدئولوژی ایران در منطقه منجر به گسترش عمق استراتژیک ایران در غرب آسیا و جهان اسلام می شود. از دید دول مخالف در حال حاضر تحول در جهت افزایش قدرت ایران و نقش شیعیان در منطقه غرب آسیا شکل گرفته و ایران تلاش دارد با بهره گیری از هلاش شیعی بر قدرت خود بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی مذهب و نیز منافع منطقه ای آمریکا و رژیم صهیونیستی به کار گیرد. (توتی و دوست محمدی، ۱۳۹۲: ۲۱۹)

نیات تهاجمی آمریکا در قبال یمن سبب شده تا ایران برای حفظ و تقویت محور مقاومت، از ظرفیت ها و توانایی های خود استفاده نماید. زیرا آمریکاییها به بهانه مبارزه با القاعده و تروریستها در حال سرکوب جنبش شیعیان در این کشور، دامن زدن به اختلافات مذهبی مسلمانان و تقویت افراطی گری در میان اعضای القاعده یمن می باشند. به هر صورت یمن کشور استراتژیکی است و راه دسترسی به آسیا و غرب آسیا برای آمریکایی هاست. علاوه بر آن، می تواند ایالات متحده را در کمکرسانی به متحدان اصلی اش در منطقه همچون عربستان و رژیم صهیونیستی و ضد کشورهای هم چون ایران و عراق یاری کند؛ به همین جهت است که نوعی همراهی و منافع مشترک برای القاعده و غرب در یمن جهت مقابله با قدرت یابی شیعیان در این کشور مشاهده می شود. (Nazemroaya, 2015: 5) پیشروی های معترضان یمنی به رهبری شیعیان حوثی و جنبش انصارالله، بار دیگر پیروزی «گفتمان مقاومت» را در منطقه اثبات کرد، به ویژه آنکه نمونه مشابهی از جنبش حزب الله لبنان بوده و مقاومت لبنان بخشی از ساختار سیاسی این کشور است و در جهت ثبات سرزمینی و سیاسی در لبنان حرکت می کند. از این منظر، شیعیان حوثی نیز تمامیت خواه نبوده و خواستار مشارکت دموکراتیک در حکومت هستند، به ویژه که شمار شافعی های یمن از شیعیان زیدی فزونتر است. بنابراین، شکل گیری یک حکومت دموکراتیک که خواسته اصلی انقلابیون یمن باشد، در جهت منافع منطقه ای ایران است و می تواند منافع مشترک را تقویت کند. در نتیجه، ایران می تواند با تدبیر مناسب و به کار گرفتن یک سیاست خارجی پویا، از این سرمایه اجتماعی ایجاد شده در جنوب خلیج فارس به شکل بهینه استفاده کند، هر چند در شرایط کنونی نیز نفوذ ایران در مقایسه با دیگر قدرت های بین المللی مقتدرانه تر است (نجات، موسوی و صارمی، ۱۳۹۵: ۱۷۳)

## نتیجه‌گیری

گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر پایه اصول و مبانی‌ای بنا شده است که راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. در نیم قرن اخیر اتحادسازی‌ها از حالت بین دولتی خارج شده و با ظهور گروه‌های فراملی و فراملی ائتلاف‌های نو ظهوری بین بازیگران دولتی و غیردولتی شکل گرفته است. در شرایطی که عمده تمرکز جبهه غربی بر اتحادسازی با کنشگران عربی و بعضاً ریز دولت‌های این منطقه متمرکز است، ایران نیز با الگوی اتحاد و پیمان سازی با بازیگران نیابتی و غیردولتی در مقیاس منطقه‌ای را در دستور کار قرار داده است.

بر پایه نظریه‌ی موازنه تهدید استفن والت، دولت‌ها در وضعیت آنارشی برای حفاظت از خود تشکیل اتحاد می‌دهند. به باور «الت» تهدیدات دولتها نسبت به یکدیگر از چهار منبع نشات می‌گیرد: ۱. قدرت کل، ۲. مجاورت جغرافیایی، ۳. قدرت تهاجمی و ۴. نیت تهاجمی.

اصول سیاست خارجی ایران، در دوران دفاع مقدس، بر گسترش روابط با کشورهای جهان سوم، به‌ویژه با کشورهای مسلمان، مبتنی بود. در چنین شرایطی، استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی براساس «بازدارندگی موثر» شکل گرفته است. این گونه بازدارندگی، پیوند عمیق و موثری با «دفاع» و «مقاومت در برابر تجاوز» دارد. از اینرو حمایت ایران از جنبشهای آزادی‌بخش و همچنین گروه‌های سیاسی رادیکال را باید اقدام موثری برای حداکثر سازی مقاومت در برابر تهدیدات غرب دانست.

ایران در چارچوب قدرت کل و به همراه سوریه در سالهای اخیر تلاش کرده است تا کوششهای آمریکا در غرب آسیا را با ناکامی روبرو سازند. همچنین تغییر رژیم و به قدرت رسیدن شیعیان در عراق و کاهش قدرت اعراب سنی، باعث شد تا نظام سیاسی جدیدی در عراق پدیدار شود که با توجه به سیاست خارجی متفاوت آن از رژیم سابق، معادلات استراتژیک و توازن قدرت در منطقه را وارد مرحله جدیدی سازد. در یمن نیز رشد شیعیان یمن تهدیدی برای منافع نامشروع آمریکا و عربستان است و این وضعیت به طور بالقوه این امکان را به ایران می‌دهد تا نیروی هوایی و دریایی خود را در یمن به کار گیرد و با افزایش عمق استراتژیک خود، از آزادی عمل بیشتری برای ضربه زدن به منافع عربستان و ایجاد توازن منطقه‌ای بهره‌بردار.

در چارچوب مجاورت جغرافیایی حمایت از دولت‌های عراق و سوریه از مهمترین عوامل

پیشبرد رویکرد سیاسی-امنیتی ایران در غرب آسیا است. یمن نیز با موقعیت ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی منحصر به فرد و همچنین وجود جمعیت زیدی در این کشور اهمیت ویژه‌ای برای ایران دارد. موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی لبنان و نقش و جایگاه تاثیر گذار آن در منازعه فلسطین و رژیم صهیونیستی و همچنین وجود حزب الله، جایگاه این کشور را برای ایران حیاتی ساخته است.

در چارچوب قدرت تهاجمی، جمهوری اسلامی ایران در نوار غزه به منظور اعمال بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی است. در میان گروه‌های فلسطینی، جنبش حماس به دلیل وجود اشتراکات مختلف با ایران، بیش از سایرین در ارتباط با محور مقاومت بوده است. عراق مهمترین اولویت و حلقه امنیتی ایران در خارج از مرزها به شمار می‌رود. ایران به دلیل احساس عدم تهدید از جانب مرزهای غربی و مقابله با تهدیدهای ناشی از حضور آمریکا در عراق از طریق حمایت از گروه «حشدالشعبی»، نفوذ خود را در این کشور گسترش دهد. وقوع جنگ فراگیر سوریه به دلیل نقش راهبردی-ژئوپولیتیکی این کشور در اتصال محور مقاومت، ارتباط مستقیمی با امنیت ملی و راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران داشت. لبنان نیز به علت ظرفیت بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی و احیای کریدور نفوذ ایدئولوژیکی-ژئوپولیتیکی در شرق مدیترانه برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد. در یمن گروه انصارالله مشهور به «حوثی‌ها» احیاگر شیعه زیدی بوده و با کمک و همراهی سپاه قدس و حزب الله لبنان در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۱ از نظر سیاسی و نظامی سازماندهی شده و توانستند بیشتر مناطق شمالی یمن را در اختیار بگیرند.

در چارچوب نیت تهاجمی، جمهوری اسلامی، آمریکا را به دلیل حضور در افغانستان و عراق و همچنین دخالت در سوریه، یک دولت ستیزه جو در نظر می‌گیرد و بر این اساس به موازنه سازی مبادرت کرده است. اهمیت ژئوپولیتیکی سوریه سبب شده تا ایران به مقابله با نیت تهاجمی آمریکا بپردازد و در این خصوص، جمهوری اسلامی ایران و سوریه دیدگاه‌ها و منافع مشترکی دارند. نیت تهاجمی آمریکا در قبال یمن سبب شده تا ایران برای حفظ و تقویت محور مقاومت، از ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود استفاده نماید؛ زیرا آمریکاییها به بهانه مبارزه با القاعده و تروریستها در حال سرکوب جنبش شیعیان در این کشور، دامن زدن به اختلافات مذهبی مسلمانان و تقویت افراطی‌گری در میان اعضای القاعده یمن می‌باشند.

## پیشنهادها

- ۱- همکاری تجاری و اقتصادی و مناسبات فنی و کارکردی با کشورهای منطقه به ویژه محور مقاومت
- ۲- تکیه بر اشتراکات ایدئولوژیکی و فرهنگی به ویژه هویت اسلامی مشترک
- ۳- تکیه بر امکانات و ظرفیت های درون منطقه ای به جای اتکا به قدرت های خارجی
- ۴- شناسایی تهدیدهای ناشی از ائتلاف های پنهان و آشکار غربی- عربی- عبری
- ۵- شناسایی و حل مشکلات در همکاری های سازمانی و تجاری
- ۶- حل تعارضات سیاسی و ایدئولوژیکی بین کشورهای منطقه

## منابع

- اشرف‌نظری، علی و قنبری، لقمان (۱۳۹۲). «خاص‌گرایی فرهنگی و بازتولید هویت‌های دینی: با تأکید بر جنبش‌بیداری اسلامی»، مطالعات جهان اسلام، سال اول، شماره سوم، زمستان.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۵). «تضاد نقش‌ها: بررسی ریشه منازعات جمهوری اسلامی ایران و آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر»، راهبرد، شماره ۳۹.
- پور حسن، ناصر (۱۳۹۱). «آثار بحران سوریه بر مسئله فلسطین»، مطالعات فلسطین، شماره ۱۸، پاییز.
- توال، فرانسوا (۱۳۸۴)، ژئوپولیتیک شیعه، ترجمه کتابیون باصر، تهران: ویستار.
- توتی، حسینعلی و دوست‌محمدی، احمد (۱۳۹۲). «تحولات انقلابی بحرین و بررسی راهبردهای سیاست خارجی ایران در قبال آن»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۳۳.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۲). «استراتژی موازنه تهدید و امنیت دولت‌های اسلامی منطقه خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۷، پاییز.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۳). بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ساجدی، امیر (۱۳۹۲). بحران سوریه و دخالت‌های قدرتهای بیگانه، پژوهشنامه روابط بین‌الملل.
- ساعی، احمد و علیخانی، مهدی (۱۳۹۲). «بررسی چرخه تعارض در جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تأکید بر دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۲»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۲۲.
- شهریاری، محمدعلی (۱۳۸۹). «تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در عراق در قالب تئوری حرکت‌ها»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و چهارم، شماره نود و دو، زمستان.
- فتحی، محمدجواد؛ عیوضی، محمدرحیم و پیرانی، شهره (۱۳۹۹) «جایگاه راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی در منظومه دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای جنوب غربی»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره نهم، شماره دوم، تابستان.
- فتحی، محمدجواد و جهانبین، فرزاد (۱۳۹۸). «تبیین بحران ژئوپولیتیکی یمن: عوامل و بازیگران»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۸، شماره ۱.
- کتاب سبز (۱۳۸۷). سوریه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- محمودی رجا، سیدزکریا (۱۳۹۷). «بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی»، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، شماره چهارده، پاییز و زمستان.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.
- موسوی، حسین (۱۳۸۸). «بیم‌ها و امیدها در بحران سوریه»، مطالعات خاورمیانه، شماره ۶۳.

- نجات، سیدعلی؛ موسوی، سیده راضیه و صارمی، محمدرضا (۱۳۹۵). «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال نهم، شماره ۳۳، بهار.
- نیاکوئی، سیدامیر، مهدی و مرادی کلارده، سجاد (۱۳۹۳). «مولفه های موثر بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری: تحلیلی چند سطحی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، ش ۲۳.
- وزیریان، امیرحسین؛ گل محمدی، ولی و علیزاده، علی (۱۴۰۰). «ارزیابی نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهمطراز ج.ا.ا در برابر سیاست مهار آمریکا»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نوزدهم، شماره ۷۴، تابستان.
- هنسن، برت، تافت، پتر، ویول، آندره (۱۳۹۰). راهبردهای امنیت ملی و نظم جهانی آمریکایی «قدرت از دست رفته»، ترجمه سید امیر نیاکوئی و احمد جانسیز، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- Boot, Max (2020). Iran-Backed Militias in Iraq poised to Expand Influence, council of foreign policy, October 13. Available : [www.cfr.org](http://www.cfr.org)
- Cordesman, Anthony (2016). The Changing Gulf Balance and The Iranian Threat, Center for Strategic&International Studies
- Hubbard, B & Bergman, R (2020). Warning Shots: Israel Spares Hezbollah Fighters to Avert a War, The New York Times, April 22, 2020. Available at: <https://www.nytimes.com/2020/04/22/world/middleeast/israel-hezbollah-knock-onroof.html>
- Humud, C (2018). Lebanese Hezbollah, Congress Research Service Report, June 22, 2018. Available at: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF10703>
- IISS (2019). The international institution for strategic studies(IISS) November, available : [www.iiss.org](http://www.iiss.org)
- James P.Rubin (2012). The real reason to intervene in Syria, foreign policy.com. 2012/06/04
- Knights, M (2018). The Houthi War Machine: From Guerrilla War to State Capture,” CTC Sentinel, Volume 11, Issue 8
- Mearsheimer, John (2018). Great Delusion: Liberal Dreams and International Realities, New York: Yale University Press.
- Michel Foucault (1982). The Subject and Power, Brighton, Harvest.
- Nazemroya, Mahdi Darius (2015). “The Geopolitics Behind the War in Yemen”. available at: [www.strategic-culture.org/news](http://www.strategic-culture.org/news).
- Nerguizian, Aram (2013). U.S and Iranian strategic competition, CSIS, March.
- Rayan, Patrick W (2015). the Yemen Crisis and the Bab El-Mandeb Maritime Chokepoint, April 14, 2015. Available at the <http://susris.com>
- sadjadpour, karim (2018). iran’s unwavering support to assad’s syria, combating terrorism center, syria special issue, volume 6, issue 8.
- Stephan M. Walt (1987). The Origins of Alliances, Ithaca, NY and London, Cornell University Press.
- Walt, Stephen (1987). the Origins of Alliances, New York: Cornell University.
- Walt, Stephen (2018). the Hell of Good Intentions: America's Foreign Policy Elite and the Decline of U.S. Primacy, New York: Farrar, Straus and Giroux.